

خلاصہ درس

سیاست گذاری عمومی

مدرس: دکتر علی دادی

w w w . y a l d a n e t w o r k . o r g



۱. معرفی و مبانی

هر دستگاه تصمیم‌گیری، از هیأت دولت تا شورای شهر، همیشه در حال بررسی نقطه نظرات متضاد درباره مسائل عمومی است. مسائلی که تصمیم‌گیری درباره آنها به معنای تعیین یک سیاست است. واقعیت اینجاست که طراحی و اجرای سیاست عمومی، در هر حوزه‌ای، با هدف جلب رضایت همه بازیگران و رعایت همه استانداردها کار دشواریست. با این حال ریشه‌یابی مسائل عمومی و آشنایی با ابعاد آنها اولین گام در پیدا کردن راه‌حل و طراحی سیاستی برای آنها است. در این درس ما درباره طراحی سیاست‌های عمومی با هدف حل مشکلات عمومی صحبت می‌کنیم.

سیاست عمومی یا سیاست‌گذاری عمومی در واقع راهنمایی اصولی برای اقداماتی است که دولت‌ها و اجزای قوه مجریه برای یافتن راه‌حل و اقدام درباره یک سری از مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انجام می‌دهند. البته این معنا نیست که سیاست‌گذاری منحصر به قوه مجریه است. در بسیاری از موارد سیاست‌گذاری نتیجه تعامل بین قوای مختلف است. اما در سطح شهر و با توجه به اختیارات شورای شهر و برای موارد مربوط به این درس سیاست‌گذاری را منحصر به بخش اجرایی می‌دانیم. این اقدامات هماهنگ و متناسب با قوانین اساسی و عمومی کشور و مقررات سازمان‌های مختلف است. در نتیجه قانون اساسی هر کشوری مبنای سیاست‌های عمومی انتخاب شده در هر سطحی در آن کشور است. به این ترتیب مصوبات هیأت دولت و تصمیمات اعضای شورای شهر از یک سرچشمه منشأ می‌گیرند و قانونی‌اند. سیاست‌های انتخاب‌شده وقتی قوی به نظر می‌رسند که بتوانند مسائل جامعه را با کارایی و بطور مؤثر حل کنند. مبحث سیاست‌گذاری عمومی در واقع رشته ایست برای درک فرآیند تصمیم‌گیری، تحلیل کارایی و نقد و بررسی نتایج سیاست‌های اتخاذ شده توسط نهادهای مختلف اجرایی در یک کشور.

در جمهوری اسلامی ایران قانون اساسی و قوانین کشور مبنای سیاست‌گذاری در چهارچوب ارزش‌های حاکم بر جامعه هستند. نقد و بررسی سیاست‌ها نه تنها با توجه به پیش‌فرض‌های اقتصادی و اجتماعی بلکه با توجه به چهارچوب قانونی و سنت‌های حاکم بر جامعه صورت می‌گیرد. این چهارچوب‌ها نه تنها در سیاست‌گذاری مهم هستند بلکه در شناسایی یک مسئله یا چالش به عنوان یک معضل عمومی که نیازمند توجه دستگاه‌های اداریست هم نقش ایفاء می‌کنند. آشنایی با این چهارچوب‌ها برای هر فعال اجتماعی لازم است و برای کسانی که می‌خواهند وارد شوراهای شهر بشوند حیاتیست.

الف. مسائل عمومی و اهمیت آنها

امروز روز اول شما به عنوان یک عضو شورای شهر است، چه مسئله‌ای برای شما اولویت خواهد داشت؟ چرا؟ آیا برای شما زیبا سازی شهر به ایجاد اشتغال برای زنان و جوانان اولویت خواهد داشت؟ پاسخ شما به این پرسش‌ها بیانگر اولویت‌های شما در سیاست‌گذاریست، ولی اهمیت این چالش‌ها توسط واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی شهر و منطقه شما تعیین شده‌اند. شاید جالب باشد که بخاطر بیابوریم که هر مسئله‌ای لزوماً یک مسئله عمومی نیست. چالش‌های اجتماعی بر اساس میزان آسیب‌پذیری شهروندان و نوع آسیب و تعداد شهروندانی که با این چالش مواجه هستند تعریف می‌شوند. این تعریف به ویژه در تحلیل چالش‌های مربوط به مشارکت زنان در فرآیندهای اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.



سیاست‌گذاری عمومی پیدا کردن راه‌حل برای مسائلی است که درصد قابل توجهی از جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا زندگی زیرگروه‌های اجتماعی را دیگرگون می‌کنند. برای نوع اول می‌توان به اشتغال زنان اشاره کرد که چالشی است برای نیمی از جامعه. نمونه مسائلی که بر زندگی یک زیرگروه اجتماعی، ولو کوچک، تأثیر منفی و دگرگون‌کننده می‌گذارد، می‌توان به ایجاد مزاحمت برای دختران دانشجو در یک شهر اشاره کرد. شاید دختران دانشجو گروه کوچکی از جامعه شهری در منطقه باشند ولی اثر منفی این مزاحمت‌ها بخاطر عمق و شدت آن‌ها باعث می‌شد تا این مسئله یک مسئله عمومی است.

ب. سیاست و سیاست‌گذاری چیست؟

اگر مزاحمت‌های خیابانی برای دختران دانشجو یا کمبود فرصت‌های کاری برای زنان در منطقه شما چالش‌های اجتماعی هستند، سیاست‌گذاری تعریف گام‌های عملی است که به این چالش‌ها پاسخ می‌دهند. این گام‌ها با توجه به منابع موجود، ریشه‌های این معضلات و چهارچوب اجتماعی تعریف می‌شوند. در سیاست‌گذاری استفاده از ریشه‌های چالش‌ها کارآیی بیشتری دارند تا اتکاء به سیاست‌هایی مانند اخذ جریمه و اجبار جامعه به پذیرش هنجارهایی که در چهارچوب ارزش‌های اجتماعی ناهنجار شناخته می‌شوند. اینجاست که شیوه‌های تحلیل روش، نحوه‌های استدلال و ایجاد ارتباط میان مفاهیم کلی و موضوعات خاص باعث تفاوت در روش‌های سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها می‌شوند. تحلیل فرآیند سیاست‌گذاری تنها با درک تعامل اجتماعی نهادها و گروه‌های مختلف ممکن است. تکیه بر درک «آنچه که روی می‌دهد» در مقایسه با «آنچه که باور داریم باید باشد» همیشه به ریشه‌یابی چالش‌های در پیشرو کمک می‌کند و تعریف گام‌های مؤثر را که یک سیاست را تعریف می‌کنند، تسهیل می‌کند.

ج. زنان در شوراهای شهر در ایران

انتخابات شوراهای شهر باعث ورود زنان به شوراهای شهر در سطح کشور شده‌است و نقش آفرینی زنان را در مدیریت شهری به دنبال داشته است. با این حال این رویداد به معنای این نیست که مسائل مربوط به زنان در فرآیند توسعه یا برنامه‌ریزی شهری اولویت پیدا کرده‌اند یا چالش‌هایی که این گروه با آنها مواجه هستند برطرف شده‌اند. از یک سو اختیارات محدود و از سوی دیگر چهارچوب‌های متعدد و گاه متناقض در سیاست‌گذاری باعث شده است که هنوز دولت‌های محلی سیاست‌گذاری در مسائل زنان را در اولویت قرار نداده باشند. این نکته حائز اهمیت است که حتی در کلان‌شهرها هنوز زنان در نهادهای دولت محلی مانند شهرداری و شرکت‌های وابسته به این نهادها سهم کوچکی در نیروی کار شاغل دارند.

۲. تحلیل سیاست عمومی

تحلیل سیاست عمومی ابزاریست برای سنجش توانایی سیاست‌ها و گزینه‌های سیاست‌گذاری برای تحقق اهداف از پیش تعیین شده. روش‌شناسی تحلیل سیاست‌های عمومی همیشه متکی به رابطه بین اهداف و ابزار سیاست‌گذاری است. چهارچوب این ارتباط به وسیله منابع و مقررات موجود تعریف شده است. تحلیل سیاست عمومی به دو گروه تقسیم می‌شود:



تحلیل و سنجش سیاست موجود: این گروه از تحلیل‌ها متکی به مشاهده فرآیند سیاست‌گذاری و تکامل فرآیند اجرای آن هستند. در نتیجه گزارش‌های حاصل همیشه روش‌شناخته و تشریحی هستند و با تکیه به مستندات آماری موفقیت یا شکست سیاست را تشریح کرده، توضیح می‌دهند.

تحلیل برای سیاست‌های جدید: این تحلیل‌ها بیشتر متکی به پیش‌بینی روند رویدادها و حدس و گمان درباره کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی هستند. هدف این تحلیل‌ها پیدا کردن ترکیب بهینه گام‌های اجرایی در سیاست‌گذاری‌اند و در آنها از مستندات آماری ناشی از اجرای سیاست‌ها خبری نیست. چرا که سیاست هنوز به اجرا در نیامده است. تحلیل‌ها معمولاً ترکیبی از هر دو گروه هستند.

الف. منطق و نیاز به حضور دولت در مسائل جنسیتی

در علم اقتصاد رویدادی به نام شکست بازار باعث می‌شود تا دولت و ادار به تدوین مقررات و قانون‌گذاری در بازارها گردد. این رویداد معمولاً نتیجه اطلاعات نادرست و انتظارات انباشته شده است. در مسائل جنسیتی رویداد مشابهی روی می‌دهد. از یک سو عدم توزیع اطلاعات و از سوی دیگر انتظارات نادرست و کلیشه‌های غلط از تعریف یک فرآیند مثبت و چهارچوب مناسب برای تحولات اجتماعی ناتوان هستند. این نکته نیز وجود دارد که در مسائل جنسیتی باورهای فردی و علاقه به حفظ موقعیت اجتماعی باعث رفتار بهینه کنش‌گران اجتماعی نمی‌شود. از یک سو منافع فردی و گروهی بر حفظ قالب‌های فرهنگی تأکید می‌کنند که علت مسائل جنسیتی هستند. از سوی دیگر کلیشه‌های نادرست و برداشت‌های غلط از ارزش‌ها و باورها باعث می‌شوند تا بسیاری مقاومت در برابر هر تغییری را به هر قیمتی روا بدانند. نتیجه ایجاد سردرگمی اجتماعی و ائتلاف منابع است. در این سردرگمی زنان آسیب‌پذیرترین گروه هستند. چرا که قوانین جاری زیر پا گذاشته می‌شوند و ساختار نهاد خانواده و فرآیند زندگی خانوادگی مختل می‌شود.

حضور دولت ضمن تعریف چهارچوبی قانونی که برای همه رعایت آن الزامی است به این سردرگمی و ائتلاف منابع پایان می‌دهد. از سوی دیگر حضور دولت باعث تحقق حاکمیت قانون، حفظ سلامت ساختار خانواده و توجه به مسائل زنان می‌شود. در تلاش برای حل مسائل جنسیتی دولت می‌تواند با بسترسازی مناسب نیروهای اجتماعی و عوامل اقتصادی را به سوی یافتن راه‌حل و اجرای سیاست‌ها سوق بدهد. دولت همچنین می‌تواند پرهیز از خشونت در برخورد با مسائل جنسیتی را نهادینه کند و به این ترتیب از آسیب‌پذیری زنان بکاهد. در نتیجه آنچه که حضور دولت در مسائل جنسیتی را الزامی می‌کند ترکیبی از منافع فردی، عدم وجود هنجارهای اجتماعی راه‌گشا و آسیب‌پذیری زنان است.

ب. چالش‌های سنجش کارآیی سیاست‌ها

سنجش کارآیی سیاست‌ها تنها به دور از دل‌بستگی‌های سیاسی و جاه‌طلبی‌های فردی و با داشتن آمار و مستندات کافی ممکن است. با این حال سنجش کارآیی سیاست‌ها با توجه به گروه‌های اجتماعی مختلف مانند زنان می‌تواند دشوار باشد. غیبت زنان در فرآیند تعریف شاخص‌ها باعث شده است تا در بسیاری از موارد شاخص‌های موجود کارآیی سیاست‌ها را به خوبی اندازه‌گیری نکنند.

از جمله چالش‌های سنجش کارآیی سیاست‌ها فقدان آمار مناسب و فقدان امکان جمع‌آوری آمار مناسب است. به عنوان نمونه اگر سیاست‌مداران برای سنجش کارآیی سیاست‌های ضد خشونت در خانواده متکی به موارد گزارش شده به نیروی انتظامی باشند، آنگاه از بخش بزرگی از موارد خشونت در خانواده که گزارش نمی‌شوند، غافل می‌مانند. این فقدان آمار منحصر به موارد خشونت در خانواده نیست.



در ایران فقدان آمارهایی که با استفاده از قوانین و استانداردهای علمی گردآوری شده باشند معمولاً اندازه‌گیری کارآیی سیاست‌ها در سطح شهر یا بخش و روستا را دشوار می‌کند. در کنار این نکته پیش‌فرض‌های نادرست درباره ارتباط اهداف با سیاست‌های اتخاذ شده می‌تواند به پیش‌داوری در سنجش کارآیی سیاست‌ها بیانجامد. با این حال حداقل در سه مورد می‌توان سیاست‌گذاری درباره مسائل زنان را با توجه به آثار سیاست‌های اتخاذ شده بر رفاه و توانمندی ایشان سنجید. این سه مورد عبارتند از:

- برنامه‌های کنترل خانواده (که در انتهای دهه ۶۰ خورشیدی به اجرا درآمد)
- ارتقاء آموزش زنان به ویژه بسترسازی حضور آنها در موسسات آموزش عالی
- گسترش شبکه خانه‌های بهداشت روستایی و تأثیر آنها بر سلامت زنان و کاهش مرگ‌های ناشی از بارداری و مرگ و میر نوزادان

ج. عوامل موثر بر توانمندسازی زنان

توانمندسازی زنان موضوعیست که پژوهشگران مختلفی آنرا مطالعه کرده و می‌کنند. مقاله «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه» نتیجه پژوهش درباره فرآیند توانمندسازی زنان در ایران بر اساس مشاهدات آماری و پرسش‌نامه‌های توزیع شده در یک نمونه آماری شامل ۳۸۰ زن در کلان‌شهر اصفهان است. محورهای توانمندسازی زنان از جمله مواردی هستند که در پژوهش‌هایی مانند این پژوهش مشترک هستند. اندازه اثر سیاست‌های توانمندسازی از شهر به شهر تغییر می‌کند ولی این تغییر از اهمیت این محورها نمی‌کاهد. این محورها عبارتند از:

- افزایش دسترسی به منابع مالی
- ارتقای حقوق مالکیت
- ارتقای حضور زنان در آموزش عالی
- کاهش تبعیض در محیط کار و در فرصت‌های شغلی
- بهبود وضعیت سلامت و دسترسی به خدمات درمانی
- تغییر باورهای سنتی

۳. طراحی و اعمال سیاست

شوراهای شهر در قالب دولت‌های محلی و نهاد شهرداری از توانایی سیاست‌گذاری، ولو محدود برخوردارند. همان‌طور که در درس‌های برنامه‌ریزی برای تلاش انتخاباتی و پیام‌رسانی عنوان شده است، نامزد عضویت در شورای شهر باید برنامه مشخصی بر اساس جایگاه و باورهایش تعریف و تدوین کرده باشد. چنین برنامه‌ای به مسائل زنان هم می‌پردازد. بایسته است که با اجتناب از کلی‌گویی نامزد انتخاباتی بداند که برنامه او در سطح خرد اجرا می‌شود، در نتیجه باید شامل گام‌های عملی باشد. این گام‌ها مجموعه‌ای از سیاست‌ها را تشکیل می‌دهند که فرآیند توانمندسازی زنان را در شهر و یا کلان‌شهر به پیش می‌برند.



الف. ابزار سیاست‌گذاری

هر سیاستی شامل اجزایی است که از آنها به عنوان ابزار سیاست‌گذاری یاد می‌شود. ابزار سیاست‌گذاری در واقع مجموعه کنش‌ها و دخالت‌های دولت و نهادهای دولتی در سطح محلی، منطقه‌ای و حتی ملی هستند تا اهداف موردنظر سیاست‌گذاران عرصه عمومی محقق گردند. مطابق اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شوراهای شهر از ارکان تصمیم‌گیری و اداره کشور هستند. هم قانون اساسی و هم قانون شوراهای اسلامی در تبیین وظایف شوراهای بر توانایی شوراهای در تعریف و تبیین برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، امور رفاهی و گسترش مشارکت‌های مردمی بر اساس مقتضیات و نیازمندی‌های محلی تأکید می‌کنند. شوراهای شهر همچنین می‌توانند شهردار شهر را انتخاب نمایند و طرح‌ها و پیشنهادات مصوب شورای شهر برای شهردار لازم اجرا است.

گرچه تعامل شهرداران و اعضای شوراهای شهر در سطح کشور نشان می‌دهد که این رابطه یک رابطه یک سویه نیست. با این حال شوراهای شهر هستند که به اقدامات شهرداران و نهاد شهرداری اعتبار قانونی می‌دهند. از این منظر شوراهای شهر علی‌رغم محدودیت نقش شهرداری‌ها یکی از توانمندترین نهادهای موجود برای ایجاد تحول اجتماعی و رشد پایدار اقتصادی هستند. درک نقش ابزارهای سیاست‌گذاری و استفاده کارآمد از آنها در برنامه‌ریزی طرح‌ها و سیاست‌های شهری باعث می‌شود تا از ظرفیت شوراهای شهر برای توسعه شهری و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر جامعه، از جمله زنان، حداکثر استفاده بشود.

برای توانمندسازی زنان مانند هر هدف دیگری شورای شهر و شهرداری متکی به مجموعه‌ای از سیاست‌های مالی و تبعیض مثبت هستند. ابزار بهینه همیشه با توجه به هدف و چهارچوب‌های موجود انتخاب می‌شود. سیاست‌های مالی شامل مالیات‌ها، تخصیص بودجه و سایر ابزار مالی می‌باشند. در کنار این بسته از سیاست‌ها همیشه می‌توان از بخشنامه‌ها و مقررات اداری برای تشویق نهادها برای دادن فرصت به زنان بهره برد. در کنار این ابزارهای سیاست‌گذاری شهری یک شورای شهر می‌تواند با تصویب سیاست‌های استخدامی نهاد شهرداری سهم زنان توانا و مدیر را در نیروی کار شاغل در دولت محلی و نهادهای وابسته افزایش دهد. در اینجا به مطالعه این ابزار می‌پردازیم.

الف.۱. مالیات‌ها

در ایران شهرداری‌ها معمولاً از طریق محاسبه و مطالبه عوارض نوسازی شهری هزینه برنامه‌ها و اقدامات خود را تأمین می‌کنند. بر خلاف دولت‌های محلی در کشورهای توسعه یافته شهرداری‌ها در ایران عوارض فروش تعریف شده‌ای ندارند و یک قانون یکپارچه و فراگیر مالیات شهری که شامل همه فعالیت‌های اقتصاد در محدوده دولت محلی باشد در ایران وجود ندارد. این خلأ قانونی از یک سو باعث سردرگمی شوراهای شهر است و از سوی دیگر امتیازی برای آنها برای تعریف منابع درآمدی خود. در بحث توانمندسازی زنان شوراهای شهر می‌توانند با دادن تخفیف به نهادها و شرکت‌هایی که توسط کارآفرینان زن تأسیس شده‌اند یا درصد معینی از زنان در آنان شاغل هستند فعالیت اقتصادی زنان را تشویق نمایند. استفاده از مالیات‌ها برای ایجاد انگیزه در اقشار اجتماعی شهر منجر به توانمندسازی زنان شده است.

الف.۲. سیاست مالی و بودجه

شوراهای شهر به عنوان قوه قانونگذاری دولت محلی عمل می‌کنند و بودجه شهرداری‌ها را بررسی، تنظیم و تصویب می‌کنند. در توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر و به ویژه زنان شورای شهر می‌تواند با تصویب بودجه برای طرح‌های ویژه زنان به تشویق مشارکت آنها در فرایند اجتماعی بپردازد. از سوی دیگر با توجه به نیاز شهرداری به مهر تأیید شورای شهر برای برنامه‌های ساختمانیش شورای شهر می‌تواند بر



گسترش زیرساخت‌های شهری، تسهیلات ورزشی، اماکن بازرگانی و کسب و کار با توجه به خواست‌های زنان تأکید کند. اعضای شورای شهر نباید فراموش کنند که این اختیارات بخشی از ابزار سیاست‌گذاری ایشان هستند. راهکارهای متعددی برای استفاده از بودجه شهری برای ارتقاء جایگاه زنان و توانمندسازی ایشان وجود دارد، که در درس‌های دیگر به آنها پرداخته می‌شود.

الف. ۳. اقدامات ایجابی

بسیاری از دولت‌های محلی در کشورهای مختلف در حال توسعه و توسعه یافته از اقدامات ایجابی استفاده می‌کنند تا سهم زنان را در نیروی کار شاغل در دولت‌های محلی و در پروژه‌های منطقه‌ای افزایش دهند. اقدامات ایجابی به این معناست که درصد معینی از نیروی کار شاغل در شهرداری را باید زنان تشکیل بدهند و درصد معینی از قراردادهای باید به پیمانکاران زن داده بشود. اقدامات ایجابی باعث می‌شود که تا زمانی که این درصدها تحقق پیدا نکرده‌اند زنان در اولویت قرار داشته باشند. بسیاری از مردان و ناظرانی که خود را بی‌طرف می‌دانند به سیاست‌های حاوی تبعیض مثبت اعتراض می‌کنند و آنها را عادلانه نمی‌دانند.

تجربه کشور هند در این باره بسیار آموزنده است. در این کشور در سال ۱۹۷۶ قانون حقوق برابر برای کار برابر با هدف حذف شکاف جنسیتی در دستمزدها تصویب شده است. ۳۰ سال بعد از تصویب این قانون هنوز مردان مشاغل عمده مدیریتی را به عهده دارند و از زنان برای کار برابر بیشتر دستمزد می‌گیرند. واقعیت اینجاست که تبعیض‌ها و پیش‌داوری‌ها بر علیه زنان در عرصه جامعه و در فعالیت‌های اقتصادی وجود داشته و دارد. سیاست‌های اقدامات ایجابی در چهارچوب جامعه می‌کوشد تا از اثر تبعیض‌های منفی آشکار و پنهان بکاهد. در شرایطی که برآیند شرایط اجتماعی به این معناست که زنان با تبعیض منفی در اشتغال و اقتصاد مواجه هستند این سیاست‌های تبعیض مثبت تنها اندازه این اثر منفی را کاهش می‌دهند. منتقدین این سیاست‌ها معمولاً با تأکید بر موارد خرد شرایط کلان کسب و کار در جامعه را در نظر نمی‌گیرند و فراموش می‌کنند که برتری مردان بر زنان با سیاست‌های ایجابی به برتری زنان بر مردان تبدیل نمی‌شود.

ب. تحلیل آثار سیاست‌های عمومی و شهری بر زنان

همان‌طور که در تحلیل شاخص‌های جنسیتی گفته شد تحلیل آثار سیاست‌های عمومی و شهری بر زنان به عنوان اعضای خانوارهای شهری آسان نیست. برای درک کارایی سیاست‌های شهری باید به یک طیف از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مراجعه کرد که همه ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی زنان را در بر بگیرد. به عنوان نمونه اگر شورای شهر اقدام به تأسیس ورزشگاهی برای زنان نماید ولی در شهر حمل و نقل عمومی برای رفت و آمد وجود نداشته باشد نمی‌تواند عدم استفاده زنان از این ورزشگاه را نشانه عدم تقاضا برای آن و اتلاف منابع دانست. تعریف چهارچوب کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی در کنار ثبت شاخص‌های مختلف یکی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای لازم برای تحلیل و اندازه‌گیری آثار سیاست‌های عمومی و شهری بر زنان است.

در حال حاضر در دهه سوم حیات شوراهای شهر در ایران وقت آن رسیده است که از منظر شاخص‌های مختلف اقتصادی تأثیر شوراهای شهر را بر مشارکت زنان در جامعه و اقتصاد تحلیل کنیم. به عنوان نمونه ما می‌دانیم که تعداد نامزدهای زن برای حضور در شوراهای شهر در حال افزایش بوده است. با این حال علی‌رغم این افزایش زنان هنوز درصد کمی از کرسی‌های شوراهای شهر موجود در کشور را اشغال می‌کنند. حضور زنان در شوراهای شهر هنوز به سطحی متناسب با حضور ایشان در عرصه اقتصاد نرسیده است.



در کنار این تحولات یادآوری این نکته لازم است که شوراهای شهر، حتی وقتی زنان در آنها نقشی تأثیرگذار دارند، نتوانسته‌اند سهم زنان را از نیروی شاغل در شهرداری‌ها و شرکت‌ها افزایش بدهند. هنوز اکثر قریب به اتفاق مدیران ارشد شهری در کلان‌شهرها و شهرهای کشور مردان هستند و ترکیب جنسیتی مدیران و برنامه‌ریزان شهری کاملاً مردانه است. در کنار سهم اندک زنان از نیروی کار شاغل در دولت‌های محلی این واقعیت که هنوز زن پیمانکار و شرکت‌های متعلق به زنان یک پدیده ناشناخته در ایران است، یادآور این نکته است که زنان ایران هنوز در مدیریت شهری و بهره‌وری از فرصت‌های فعالیت اقتصادی در شهرهای کشور سهمی متناسب با نقش اجتماعی و استعدادهایشان ندارند.





www.yaldanetwork.com

www.facebook.com/yaldanetwork

www.aparat.com/yaldanetwork

telegram.me/yaldanetwork

© 2016 Yalda Network

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به شبکه یلدا است.